



در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴	طرح و برنامه مالیاتی
۲۵	مالیات، فراتر از نگاه امروز
۲۶	آفت نهران اقتصاد ایران
۲۷	در انتظار عدالت و کارآمدی
۲۸	مالیات افقی و مالیات عمودی را برقرار کنیم

تبعیض مالیاتی، تبعیض اجتماعی

هر که بامش بیش، برفش بیشتر!

نظام فعلی مالیاتی کشور از تبعیض‌ها و استثنائات رنج می‌برد.

دولت طی سال‌های اخیر، بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان در هر سال، از اقشاری که درآمدهای ثابت داشته‌اند مالیات دریافت کرده است، در حالی که بسیاری از افراد حقوقی و صاحبان برخی از شرکت‌های خصوصی و دولتی یا از پرداخت مالیات معاف بوده‌اند یا از پرداخت آن فرار کرده‌اند. از سوی دیگر، بسیاری از فعالان اقتصادی بازار، سهم بسیار کوچکی از درآمدهای مالیاتی را به خود اختصاص داده‌اند و آنچه موجب تمایز بین مؤدیان مالیاتی شده است، اولاً، میزان توانایی دولت در شناخت مؤدی مالیاتی و دسترسی به اطلاعات درآمدی شفاف، صحیح و قابل اعتماد وی و ثانیاً، تمکین مالیاتی مؤدی و انگیزه وی برای پرداخت مالیات بوده است. وجود مقادیر بالای مالیات‌های معوق که بعضاً سال‌ها توسط مؤدیان پرداخت نشده است، نشان از تلاش برخی از اعضای فعال اقتصادی برای فرار مالیاتی دارد. این در حالی است که حتی در مقوله‌های دینی نیز، بحث مالیات، از ضروریات جامعه به حساب می‌آید.

در مباحث مربوط به مالیات، موضوع عدالت مالیاتی و نقطه مقابل آن، تبعیض مالیاتی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. موضوع تبعیض در امر مالیات، همچون همه مسائلی تبعیض اجتماعی، پسندیده و قابل دفاع نیست.

تبعیض در پرداخت مالیات که به مفهوم نابرابری در توزیع بار مالی هزینه‌های دولت و نابرابری در فشار

تأمین می‌شود. در واقع، دسترسی به اطلاعات، آمار و ارقام درآمد کارمندان، کارگران و شرکت‌های تولیدی شناسنامه دار، به آسانی امکان پذیر است. در مقابل، ضعف اطلاعات و آمار سازمان‌های درگیر (انواع مختلف درآمد و هزینه) منجر به استفاده مجانی از منافع ناشی از هزینه کردن مالیات‌ها - شامل امنیت، رفاه، توسعه و سرمایه‌گذاری - توسط بخش قابل توجهی از صاحبان مشاغلی است که یا اصلاً مالیات نمی‌پردازند یا رقم واقعی مالیات خود را اعلام نمی‌کنند.

دو دفتر

متأسفانه - به علت عدم شفافیت فی مابین مؤدی و سازمان مالیاتی - برخی شرکت‌های تولیدی، با تهیه دو دفتر جداگانه که یکی از آنها خوراک مالیاتی اندک سازمان مالیاتی کشور را تهیه می‌کند و دیگری، منطبق بر واقعیت درآمدی و هزینه‌ای شرکت‌ها است، به فرار مالیاتی اقدام می‌کنند. این موضوع، در کنار بخش اقتصاد زیرزمینی شرکت‌های تولیدی که بدون نظارت دولت فعالیت می‌کنند، از مسائلی است که به شکاف طبقاتی موجود در جامعه دامن می‌زند. گفتنی است، مالیات در یافتی از حقوق در کشور ما، بیش از مشاغل آزاد است، در صورتی که حجم سود خالص این بخش، بیش از درآمد حقوق بخش دولتی و خصوصی می‌باشد و منجر به فرار عدالت از بستر اجتماع و جو بی‌اعتمادی می‌گردد.

بر همین اساس، توجه به موضوع مالیات‌های پنهان و بررسی تأثیر آن بر افزایش تبعیض میان اقشار مختلف جامعه، حایز اهمیت است.

گفتنی است، در صورتی که مالیات‌های پنهان چون تورم - که بار مالی فزاینده‌ای را بر اقشار کم‌درآمد اجتماع تحمیل می‌نمایند - کنترل نشوند، وضع

طبقاتی ناشی از اخذ برخی درآمدهای دولت در مشارکت با اقشار جامعه می‌باشد، در نتیجه عواملی چون قوانین تبعیض‌آمیز، معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی، فعالیت‌های شناسایی نشده و معافیت‌های پنهان موجود، به وجود می‌آید و منجر به مخدوش نمودن سیمای عدالت در مالیات می‌شود. در این راستا و به دنبال اصلاحاتی که در قانون مالیات‌ها اتفاق افتاد و با توجه به موضوعات مهمی چون مسایل رفاهی، توزیع درآمد و نرخ تورم، معافیت‌هایی در جهت کاهش فقر صورت گرفت ولی توجه چندانی به مسایل تشویقی معافیت‌های مالیاتی در امر سرمایه‌گذاری و تولید نشد. این در حالی است که در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، رفع تبعیض‌های موجود در سیستم مالیاتی، از جمله کارهای اساسی و مهمی است که باید صورت گیرد. از طرفی، خرج درآمدهای مالیاتی دولت از طریق نظام بودجه و تخصیص اعتبارات بودجه به بخش‌های مختلف جامعه، می‌تواند حکایت از تبعیض هزینه‌ای دولت داشته باشد. این عامل نیز مؤدیان مالیاتی را که از اقشار مختلف جامعه می‌باشند، در پرداخت مالیات دلسرد خواهد کرد، در حالی که تبعیض در پرداخت مالیات، امری نکوهیده است و باعث مشارکت‌گریزی اقشار جامعه در بحث پرداخت مالیات خواهد شد. امروزه، سهم عمده‌ای از درآمد مالیاتی دولت، توسط بخش اندکی از جامعه اقتصادی

نظام مالیاتی فراگیر

طرح و برنامه مالیاتی

تحلیل و پیشنهاداتی از آقای امیر حسین خطیبزاده، مدیر پژوهش خانه صنعت و معدن استان اصفهان

خواهد بود و اظهار مؤدی قابل قبول می‌باشد. پس از استقرار نظام اطلاعاتی یکپارچه، هرگونه اظهار خلاف واقعیت، به راحتی قابل ردیابی است و پیگرد قانونی خواهد داشت. موفقیت این طرح، مستلزم اجرای موارد زیر است: ۱) الزام کلیه آحاد ملت به مشارکت و منوط بودن کلیه فعالیت‌های اقتصادی به

این مشارکت ۲) فرهنگ‌سازی و آموزش از سطوح دبستان، و همچنین، تبلیغ رسانه‌ای برای جلب مشارکت مردم، ۳) ایجاد سیستم اطلاعاتی جامع و فراگیر الکترونیکی که در آن، هم ورود اطلاعات از سوی مؤدی و هم دریافت و پردازش و دسترسی توسط نظام مالیاتی به صورت لحظه‌ای، قابل دسترسی باشد، ۴) اجرای سیستم مالیات بر مصرف با الزام مکانیزه کردن کلیه فروشندگان کالا و خدمات (استفاده از دستگاه‌های صندوق الکترونیک) و موظف بودن آنها به ارائه فاکتور، ۵) اجرای پایلوت در چند نقطه از کشور و دریافت بازخوردها و اصلاح مجدد ساختار، قبل از اجرای نهایی.

برخی از نتایج اجرای این طرح عبارتند از:

۱) هدفمند شدن یارانه‌ها حتی با امکان پرداخت مستقیم به سطوح پایین درآمدی، ۲) کاهش مالیات شرکت‌های تولیدی و دریافت مالیات از مجموع درآمد اشخاص حقیقی، ۳) برنامه‌ریزی استراتژیک اقتصادی ملی و منطقه‌ای، ۴) شناخت کافی از توزیع فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال و هدفمند نمودن معافیت‌های مالیاتی، ۵) احساس مشارکت آحاد ملت در سرنوشت و پاسخگو بودن دولت در قبال این مشارکت، ۶) کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، ۷) امکان ایجاد سیستم مفاصاحساب برای افراد حقیقی به هنگام معاملات، ۸) شناسایی فرارهای مالیاتی به کمک نظام اطلاعاتی فراگیر، ۹) امکان دسته‌بندی آحاد ملت به سه گروه:

- دارای درآمد مکفی مشمول مالیات - که باید مالیات بر مجموع درآمد خود را بپردازند.
- دارای درآمد مشمول مالیات و پایین‌تر از الگوی تعیین شده بر اساس شرایط تورم - که باید بخشی از مالیات آنها باز پس داده شود.
- دارای درآمد پایین‌تر از الگو و غیرمشمول مالیات - که باید به آنها یارانه پرداخت شود.

مشارکت آحاد ملت در سرنوشت خود تازگی ندارد. قرن‌ها است که حکومت‌ها برای تأمین هزینه‌های خود، اعم از ایجاد امنیت داخلی، محافظت از مرزها، ایجاد راه، برقراری پست و غیره، از مردم مالیات و عوارض می‌گرفته‌اند. دولت‌های امروز نیز از این قاعده مستثنا نیستند و به خصوص، در کشورهای

توسعه یافته، بخش اصلی درآمد دولت از این راه تأمین می‌شود. متأسفانه در ایران، به علل مختلف از جمله، کاهش صداقت متقابل، عدم شفافیت هنجارهای اجتماعی، اتکا به درآمد نفت، ناتوانی ساختار اداری کشور، عدم وجود سیستم اطلاعاتی قوی و روز آمد و اقتصاد پنهان و زیرزمینی، این مهم هرگز به انجام نرسیده است.

دولت‌های اخیر، مباحث عدالت محوری و برنامه‌ریزی درازمدت را در قالب چشم‌انداز برای دستیابی به جایگاه شایسته ایران در بین کشورهای منطقه منتظر قرار داده‌اند. برای تحقق این اهداف، باید قوانین و دستورالعمل‌های کارآمد و صحیحی را در اخذ مالیات و عوارض و جلوگیری از بی‌عدالتی در این زمینه تدوین نمایند.

نظام مالیاتی فراگیر

طرح پیشنهادی که باید با مشارکت کارشناسان اقتصادی تبدیل به یک قانون مدون و لازم‌الاجرا شود، در نگاه اول بسیار ساده است و شامل یک گزاره بیشتر نیست: "کلیه آحاد ملت که به سن قانونی رسیده‌اند (دارای کد ملی) باید اظهارنامه بدهند."

این اظهارنامه شامل کلیه درآمدها (مجموع درآمد) و هزینه‌های هر فرد حقیقی (شهروند ایرانی) است. در مرحله اول، اجرای این طرح فراگیر برای مدت دو تا سه سال، هدف اصلی جذب اطلاعات



نرخ‌های مالیاتی سنگین یا نرخ‌های مالیاتی نامتناسب با شرایط اقتصادی افراد جامعه، خود به منزله تبعیض تلقی می‌شود؛ چراکه افزایش نرخ‌های تورم، آثار متفاوت بر افراد مختلف دارد. لازم به ذکر است، در صورتی که تبعیض تورمی با تبعیض در مالیات‌ها همراه شود، منجر به کاهش قدرت خرید اقشار کم درآمد شده و از رفاه این طبقه خواهد کاست. در کنار مسایل فوق، تساوی همه افراد در برابر قانون که لازمه آن، تقویت نظام قضایی حاکم بر جامعه می‌باشد، به همراه جریمه‌های مالیاتی برای تأخیر در پرداخت مالیات یا عدم پرداخت آن، بسیار ضروری است. محکومیت برلوسکونی، نخست وزیر ایتالیا، رسوایی مالی لوئیس انریکه، ستاره فوتبال بارسلونا، محکومیت ۳۰ ماهه فرزند فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور سابق فرانسه و ده‌ها مورد دیگر، مبین تلاش برای برابری و تساوی همه افراد در برابر قوانین مالیاتی در سایر کشورها می‌باشد.

چرا چنین است؟

مهمترین دلایلی که می‌توان در بحث کاهش انگیزه‌های پرداخت مالیات در کشور مطرح کرد، نبود انگیزه‌های درست مالیاتی در جامعه، عدم اعتماد بین دولت و مردم، اتکای دولت به درآمدهای نفت و عدم اتخاذ راهکارهای صحیح افزایش درآمدهای مالیاتی می‌باشند. در کنار آن، نظام مالیاتی ناعادلانه در جامعه که منجر به عدم تساوی همه افراد جامعه در برابر قوانین مالیاتی می‌شود، از دیگر نقاط ضعف نظام مالیاتی حاکم بر کشور ما است. این در حالی است که نظام مالیاتی کشور، توانایی اثبات مقادیر مالیاتی و اخذ منصفانه آن را از مؤدیان مالیاتی ندارد. در حال حاضر، نظام کسب مالیات در ایران که اظهارنامه‌ای می‌باشد، بعضاً از اظهارات غیرشفاف و غیرواقعی رنج می‌برد. از طرفی، قوانین پیچیده مالیاتی، سرگردانی‌های نظام مالیاتی و جرایم سنگین مالیاتی، در کنار غیرشفاف بودن نظام جریمه‌ها، از دیگر نقاط ضعف نظام مالیاتی موجود در کشور است. تعریف سیستمی جامع که توانایی تشخیص صحیح سطوح درآمدی افراد را داشته باشد، قدمی مؤثر در جهت دستیابی به ارقام واقعی درآمد مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی خواهد بود.

اقداماتی چون، ثبت نام کارفرمایان و صاحبان مشاغل در سیستم مالیاتی، طبقه‌بندی منطقه‌ای مشاغل که به صورت کارشناسانه صورت گرفته باشد (به عنوان مثال، برحسب موقعیت جغرافیایی و متراژ محل کسب و مبالغ اجاره که می‌تواند به صورت تقریبی، سطح درآمد را معین کند)، درخواست ارایه مدارک معتبر و مستند و تسلیم دفاتر مشخص که درآمدها را به ثبت برساند، ضروری است. همچنین، ارایه اسنادی که مؤید هزینه‌ها باشد، اعمال سیاست‌های تشویقی، چه در زمینه ارایه آمار واقعی و چه در زمینه پرداخت به موقع مالیات از سوی صاحبان مشاغل نیز می‌تواند موجب بهبود اوضاع درآمدهای مالیاتی در کشور شود. ■